

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره: ۱۰۲۸۶۴۷  
تاریخ: ۹/۷/۲۴  
پیوست: ۱

صورت جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی تحصیلی دوره‌ی کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

آقای فتح اله فتحی دانشجوی رشته‌ی فلسفه اسلامی با عنوان

"عالم خیال منفصل از دیدگاه ملاصدرا"

که در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۱ با حضور هیأت محترم داوران در آمفی تئاتر دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه زنجان برگزار گردید، به شرح است:

جه: عالی امتیاز: به عدد ۱۸۰۲۵ به حروف: هجده و دو صدم ( ) قبول  دفاع مجدد  مردود

۱. عالی (۱۸-۲۰)

۲. بسیار خوب (۱۶-۱۷/۹۹)

۳. خوب (۱۴-۱۵/۹۹)

۴. قابل قبول (۱۲-۱۳/۹۹)

امضاء

رتبه‌ی علمی

عضو هیأت داوران: نام و نام خانوادگی

استادیار  
استادیار  
استادیار  
استادیار  
استادیار

دانشگاه زنجان  
مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه زنجان  
استادیار

استاد راهنما: دکتر مریم خوشدل روحانی  
استاد مشاور: دکتر طاهره کمالی زاده  
استاد ممتحن: دکتر محسن جاهد  
استاد ممتحن: دکتر حسن فتح زاده  
نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر اسداله فلاحی

دکتر پیرایش  
مدیر تحصیلات تکمیلی  
دانشگاه زنجان  
بر تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی علوم انسانی

تقدیم به همسر  
و پدر و مادر گرامیم

## تشکر و قدردانی

اگر شکر خالق در بیان شکر مخلوق است، به پاس قدردانی از نعماتی که پروردگار متعال نصیب فرموده و بنابر وظیفه ای که در قبال زحمات بی دریغ اساتیدم احساس می‌کنم، بدین وسیله مراتب تشکر و قدردانی خود را از آن بزرگواران اعلام داشته و اجر ایشان را از کریم رئوف خواستارم. در این میان به ویژه از استاد فرهیخته سرکار خانم دکتر مریم خوشدل روحانی که با حوصله و دقت و دلسوزی فراوان، راهنمایی پایان نامه را به عهده گرفتند و استاد ارجمند و محترم مشاور سرکار خانم دکتر ظاهره کمالی‌زاده بی نهایت سپاس گزارم. همچنین از اساتید داور ..... که زحمت داوری و نظارت بر این پایان نامه را متقبل شدند، تشکر می‌کنم.

نیز بر خود فرض می‌دانم از همسر صبور و بزرگواری که در تمامی دوران تحصیل همواره مشوق و یاورم بوده و همچنین پدر و مادر مهربان و گرانقدرم که دعاهای پر از مهر ایشان بدرقه راهم بوده است، قدردانی کنم.

این اثر ناچیز برگ سبزی است تحفه درویش؛ تقدیم به جناب صدرالمآلهین شیرازی، بزرگ سردمدار حکمت متعالیه.



دانشگاه زنجان

انسانی

دانشکده علوم

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام  
اسلامی

عالم خیال منفصل از دیدگاه ملاصدرا

فتح اله فتحی قشلاق

استاد راهنما :  
دکتر مریم خوشدل روحانی

پاییز ۹۰

## چکیده :

یکی از مباحث مهم فلسفه ملاصدرا اثبات عالم مثال است . این مسأله مورد انکار حکمای مشاء به ویژه ابن سینا بوده است . مرتبه عالی تر خیال عبارت است خیال منفصل . این مرتبه از خیال در تاریخ تفکر اسلامی ، به واسطه نحله اشراق و صدرایی و نیز تفکر عرفانی ابن عربی در برابر دیدگاه مشایی طرح گردید که خیال را جسمانی تبیین می کرد .

شیخ اشراق با طرح ادله عقلی و با استناد به مکاشفات شهودی خود در صدد اثبات این عالم بوده است . عالم خیال در فلسفه ملاصدرا از دو جهت مورد مطالعه قرار می گیرد یکی از جهت هستی شناسی و دیگری از جهت معرفت شناسی . در فلسفه ملاصدرا عوالم وجود به عالم طبیعت ، عالم خیال و مثال منفصل و عالم عقل تقسیم می شود . عالم خیال منفصل ، حد واسط بین عالم عقل و طبیعت است که هر یک از این عوالم ناظر به یکی از مراتب حسی و عقلی نفس انسانی می باشد .

صدرالمتألهین تمامی ارکان فلسفی خویش نظیر اصالت وجود ، تشکیک در وجود ، حرکت جوهری و امکان فقری را به استخدام گرفته است و بر اساس این اصول و مبانی فلسفی اش هستی امکانی را به نشأت سه گانه وجود ( مادی ، خیال منفصل ، عالم عقول ) تقسیم کرده و هر یک از مراتب ادراک را متناظر با نشأت مذکور قرار می دهد .

اهمیت فرآیند ادراک از نظر صدرا این است که ، ادراک نه تجدید و تقشیر صور علمیه است ( درمشاء ) و نه مشاهده و اشراق صور

مذکور توسط نفس ( در اشراق ) ، بلکه این نفس است که در حرکت  
استکمالی خود متناسب با هر مرتبه وجودی به مرتبه ای از ادراک  
دست می یابد و با آن متحد می گردد .  
واژگان کلیدی : حکمت متعالیه ، اصالت وجود ، تشکیک در وجود ،  
خیال متصل ، خیال منفصل .

فهرست :

عنوان

صفحه

فصل اول : مقدمه و کلیات طرح تحقیق

.....

۱.....

۱ - ۱ - مقدمه

.....

۲.....

۱ - ۲ - معنای خیال و مثال

.....

۴.....

۱ - ۲ - ۲ - معنای لغوی خیال و مثال

.....

۴.....

۱ - ۳ - مسائل اصلی تحقیق

.....

۷.....

۱ - ۴ - فرضیات تحقیق

.....

۷.....

۱ - ۵ - سازمان

..... تحقیق

۸.....

۱ - ۶ - کلید واژه های تحقیق

.....

۹.....



۱ - ۷ - پیشینه تحقیق

۱۱.....  
فصل دوم : پیشینه تاریخی طرح عالم مثال و خیال

۱۴

۱ - ۲ - مقدمه

۱۵.....  
۲ - ۲ - جهان شناسی ابن سینا ( عالم خیال از نظر وی )  
۱۶.....

۲ - ۳ - جهان شناسی سهروردی ( عالم خیال و مثال از نظر وی )  
۲۳.....

۲ - ۴ - جهان شناسی از نظر عرفا ( ابن عربی ، عالم خیال و  
مثال از نظر وی ) ۳۱.....

فصل سوم : عالم مثال از نظر صدرالمآلهین شیرازی

۳۷.....  
مقدمه :

۳۸.....

۳ - ۲ - عالم خیال و مثال از نظر صدر المتألهین

۴۰....

۳ - ۳ - جایگاه و شأن عالم مثال یا خیال منفصل در فلسفه  
ملاصدرا ۴۵.....

۳ - ۳ - ۱ - تفاوت عالم خیال و مثال با مُثُل یا مثال افلاطونی  
۴۶.....

۳ - ۳ - ۲ - رابطه عالم مثال با عوالم مافوق و عالم مادون  
۴۷.....

۳ - ۶ - خصوصیات و احکام عالم مثال و خیال

.....  
۵۲.....

۳ - ۵ - دلایل اثبات وجود عالم مثال و خیال

.....  
۵۶.....

۳ - ۶ - جایگاه خیال متصل و منفصل در فلسفه صدرالمتألهین

.....  
۵۷.....

۳ - ۶ - ۱ - جایگاه وجود شناختی عالم خیال منفصل (مُثُل معلقه

( .....  
۵۸.....

۳ - ۶ - ۲ - ویژگی های عالم خیال منفصل

.....  
۶۰.....

۳ - ۷ - اثبات عالم خیال منفصل

.....  
۶۱.....

۳ - ۸ - عالم خیال در قوس نزولی و قوس صعودی

.....  
۶۴.....

۳ - ۸ - ۱ - تفاوت های خیال و مثال نزولی با خیال و مثال

.....  
۷۳.....

۳ - ۸ - ۲ - اثبات عالم مثال و خیال صعودی

.....  
۷۴.....

۳ - ۸ - ۳ - اثبات عالم مثال و خیال نزولی

.....  
۷۸.....

۳ - ۹ - نظریه ملاصدرا در مورد خیال و قوای باطنی

.....  
۷۹.....

۳ - ۹ - ۱ - عمل قوه خیال در تصویر سازی

.....  
۸۱.....

۳ - ۹ - ۲ - تجرد قوه خیال و اثبات آن

.....  
۸۲.....

۳ - ۱۰ - عوامل موثر در فرایند حصول ادراک خیالی از نظر

صدرالمتألهین ..... ۸۴.....

۳ - ۱۰ - ۱ - فرآیند ادراک خیالی از نظر صدرالمتألهین

.....  
۸۷

۳ - ۱۰ - ۲ - اختلاف نظر ملاصدرا و سهروردی در فرآیند حصول

ادراک خیالی ..... ۹۰.....

۳ - ۱۱ - انحاء ارتباط انسانی با خیال منفصل

.....  
۹۰.....

- اثبات تجرد قوه خیال زمینه اثبات معاد جسمانی است

.....  
۹۳.

- تجسم اعمال در عالم خیال

.....  
۹۴.....

- ارتباط صور مثالی با عالم مثال

.....  
۹۷.....

- کشف شهود خیالی یا صوری

.....  
۹۸.....

- خواب و رویا و ارتباط آن با عالم خیال منفصل

.....  
۹۹.....

– وحی و الهام و ارتباط آن با عالم خیال منفصل

.....

۱۰۰.....

۳ – ۱۲ – تحلیل و بررسی انتقادات پیرامون عالم خیال منفصل

۱۰۲.....

– فصل چهارم : جمع بندی و نتیجه گیری

.....

۱۰۶.....

– منابع و مآخذ

.....

.....

۱۱۵.....

– چکیده انگلیسی

.....

.....

۱۲۴.

## فصل اول

### مقدمه و کلیات طرح تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

اثبات عالم مثال و مجرد خیال از مباحث مهم فلسفه ملاصدرا است. در میان حکمای اسلامی، حکمای مشاء، به ویژه شیخ - الرئیس، وجود این عالم را انکار می کنند. شیخ اشراق ضمن اذعان به وجود آن، با طرح ادله ای کوشیده است وجود آن را اثبات کند. اما به این علت که خیال را منفصل می داند، در تحمل مناقشات وارده موفق نبوده است. اهل تصوف و عرفان، به ویژه محی الدین عربی در آثار خود علاوه بر قبول عالم مثال ویژگی های آن را ذکر نموده اند ولی از ابراز استدلال و برهان در این زمینه خودداری کرده اند.

صدرالمتالهین شیرازی در قبول وجود عالم مثال هم صدای عرفا و شیخ اشراق است (ملاصدرا ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۲۸). و در کتاب اسفار، براهین متعددی هم برای اثبات خیال متصل و هم خیال منفصل اقامه فرموده است. او با اثبات مجرد خیال موفق شده است، معاد جسمانی و حشر جمیع عوالم وجودیه و لزوم بازگشت جمیع موجودات به مبدأ اعلی را اثبات کند. بعلاوه کوشیده است تا بدن اخروی را اثبات و طریقه مشهور حکمای اشراق و مشاء را ابطال کند. او معتقد است که دار آخرت منحصر به عالم روح نیست، بلکه مرتبه ای از عالم آخرت را عالم اجساد و اجسام و سماوات و نفوس ارواح جسمانی تشکیل می دهد، بدین منظور ملاصدرا قوه خیال متصل

و مجرد آن را مطرح کرده و اثبات کرده و از این طریق توانسته است کیفیت عذاب قبر و سكرات موت را تبیین و عوالم برزخی در قوس صعود و نزول را اثبات کند . با اصل حرکت جوهری و مجرد خیال که از ابتکارات بارز و ارزشمند این فیلسوف مبرز است، بسیاری از اشکالات موجود در باب معاد جسمانی مرتفع شده است. (ملاصدرا، ۱۳۶۷: ج ۵: ۳۷۹).

مواجهه ملاصدرا به کل هستی، نگرشی بنا شده بر وجود خداست که خدا را آغاز هستی می داند و آفریننده جهان ها و عالم را به غیب و شهادت تقسیم می کند . این بدین معنی نیست که تنها همین دو عالم را در هستی سراغ داریم . عالم شهادت همین عالم طبیعت و ملک و ناسوت است ولی عالم غیب خود مراتبی دارد : عالم غیب، ملکوت، جبروت و لاهوت را در بر می گیرد. از تعبیر دیگری نیز می توان استفاده نمود :

جهان غیب، جهان روح، جهان عقل و جه ان نفس (جهان برزخی که میان جهان ماده و جهان عقل می باشد).

ملاصدرا برای اینکه اندیشه خود را بنیانی استوار بخشد، بنابر ضرورت معرفت شناختی، بایستی جهانی میانجی را معرفی کند، جهانی که معنای بسیاری از یافته هایش را نیز روشن می سازد. این جهان عالم مثال است. و در این جهان است که طبیعت و عقل به همدیگر تبدیل می یابند و روح جسمانی و جسد روحانی می شود.

عالم مثال جایگاه رخداد اموری است که از یک جهت

- همانند عالم ماده اند و از دیگر جهت همانند جهان عقول جهانی که به رخدادهای غیب و رویاهای صادق معنی می بخشد و بسیاری از معجزه ها و کرامت ها نیز معنی می یابند (نصر، ۱۳۸۵: ۱۷).

همچنین ملاصدرا معتقد است که در انسان نیروی ادراک

- کننده دیگری غیر از عقل یافت می شود که عرصه فعالیت این نیرو، پهنه «خیال» است که در آن جمع میان اضداد پدیدار می شود زیرا نزد حس و عقل جمع میان دو ضد ممتنع است.
- عالم خیال نزدیکترین دلالت به حق است زیرا حضرت حق اول است و آخر، ظاهر است و باطن و لذا عارف جز از راه جمع کردن میان دو ضد شناخته نمی شود. وی خیال را منزل الفت جامع میان حق و خلق و همان صورتی می داند که انسان بر آن آفریده شده است و این آگاهی نیرومندترین آگاهی است که به وسیله آن عارف و احدیت حق را در کثرت خلق ادراک می کند.

ملاصدرا بر این است که خیال، تنها آنچه را دارای

- صورت محسوس یا مرکب از اجزای محسوس است و توسط قوه مصوره ترکیب می شود، نگه می دارد و از این رهگذر صورتی را به دست می دهد که در حس موجود نیست اما برای بیننده محسوس است. وی در نظر خودش از عالم خیال به عنوان طرق معرفت الله نام می برد.



دیدگاه صدرالمتألهین در مورد ادراک خیالی دیدگاهی متمایز از سایر اندیشمندان است. او تحت تاثیر سهروردی و ابن عربی، قائل به نشات سه گانه وجود (عالم عقول مجرد، عالم مثال یا خیال منفصل، عالم مادی) بوده، خیال منفصل را حد وسط و برزخ میان دو عالم مذکور می داند، همچنین ادراک خیالی (خیال متصل را) متناظر با آن می شمارد. بر خلاف سهروردی که نفس را مظهر صور مثالیه در خیال منفصل دانسته و قائل به خیال متصل نیست، ملاصدرا معتقد است که صور معلقه، با خلاقیت خداگونه اش، نفس آدمی را مهیای خلق صور خیالی می گرداند (دیوانی، ۱۳۷۶: ۷۸).

نکته‌ی دیگر اینکه عالم خیال در نظر ملاصدرا بر دو قسم است: خیال منفصل و خیال متصل. توضیح اینکه عالم خیال منفصل عالمی حقیقی است و صور خیال مقید (متصل) انعکاس صور عالم خیال منفصل است (ملاصدرا، ۱۹۸۱ ج ۳: ۳۵). چنین عالمی به شدت در حکمت متعالیه مورد استقبال قرار می گیرد و با استدلال عقلی - چنانچه خواهد آمد - وجود آن اثبات می شود.

نظریات شیخ اشراق تاکید مجددی بر اثبات عالم خیال منفصل و اعتقاد به صور خیالیه است. در این تحقیق، ابتدا نظرات اسلاف و پس از آن نظریه ملاصدرا در مورد خیال و ادراک خیالی و مجرد خیال را آورده و به تحلیل و تبیین آنها خواهیم پرداخت، آنگاه تفاوت‌های رأی ملاصدرا با اسلاف

او را روشن ساخته و سایر نتایجی را که از اثبات عالم خیال و مجرد آن به دست می‌آید ارائه خواهیم نمود.

## ۱-۲- معنای خیال و مثال:

### ۱-۲-۱- معنای لغوی خیال و مثال:

کلمه خیال به صورت اسم «الخیال»، در زبان عربی به معانی مختلفی آمده است: ۱- وهم، پندار، گمان ۲- شبه شخص از دور ۳- صورت چیزی که در آینه منعکس می‌شود ۴- سایه و شبه هر چیز ۵- پارچه ای که در کشتزار بر چوبی کنند تا چهارپایان و مرغان از آن بترسند، مترسک ۶- نشانه ای که بر زمین برپا کنند تا دانسته شود که رفتن به آن زمین ممنوع می‌باشد. ۷- قوه‌ای است که محسوسات به وسیله آن در وهم متصور شوند اگر چه آن صورتهای محسوس از حس غایب شوند، این قوه مصوره نیز نامیده می‌شود. الخیلان حیوانی دریایی که نصف آن انسان و نصف دیگر ماهی است. (المنجد: ذیل واژه خیال).

## ۱-۲-۲- معنای اصطلاحی خیال و مثال:

عبارت است از حد فاصل بین دو چیز است مانند خط فاصل بین سایه و خورشید که این حد فاصل مانع از تداخل آن دو شیء در یکدیگر می‌شود، حس ممکن است این برزخ را درک نکند و لیکن عقل آن را ضروری می‌داند. آنچه حس ادراک می‌کند یکی از آن دو روشی است که در یک طرف امر برزخی قرار دارد و هر یک از دو طرف به واسطه ویژگی خاصی از طرف دیگر متمایز می‌شود که وقتی به برزخ می‌رسد این برزخ هیچ یک از این دو طرف نیست در عین حال قوه هر یک از آن دو در برزخ است. از آنجا که برزخ حد واسطه بین معلوم و غیر معلوم، بین معدوم و موجود، بین منفي و مثبت و بین معقول و غیر معقول است، اصطلاحاً برزخ نامیده می‌شود ولی به خودی خود امری معقول است. در واقع برزخ جز خیال چیز دیگری نیست. و خیال امری است که نه موجود است نه معدوم، نه معلوم است و نه مجهول و نه منفي و نه مثبت است، همانطوری که انسان صورت خود را در آینه می‌بیند در حالی که می‌داند به اعتباری صورت خود اوست و به اعتبار دیگر صورت واقعی او نیست؛ زیرا آینه بسته به اینکه کوچک یا بزرگ باشد، محدب یا مقعر باشد چهره را بزرگ یا کوچک نشان خواهد

داد. پس شخص هم چهره خود را دیده و هم ندیده یعنی هم چهره او هست و هم نیست (محي الدين ابن عربي، فتوحات مكيه؛ ۱۳۶۸: ج ۱: ۳۰۴).

در فلسفه و عرفان اسلامي، مثال و خيال به عالمي گفته ميشود که مابين عالم عقل که مجرد تام است، و عالم ماده قرار دارد. از اين عالم با نام هاي «عالم مثال» (مشهورترين اسم)، «خيال منفصل»، «خيال مطلق»، «ارض حقيقت»، «اقلیم ثامن»، «هور قليا»، «عالم برازخ»، «ملکوت اسفل»، «اشباح مجردة»، «صور حلقه» (دو تعبیر اخير از شيخ اشراق است، ولي برزخ را به معني اصطلاحي ديگر هم به کار برده است)، «شهادت مضاعف» (تعبير محقق دواني) و «خيال عالم» (تعبير عبدالرزاق کاشاني) یاد کرده اند.

براي اولين بار کلمه مثل در فلسفه افلاطون مطرح و به عالم واقعي و ثابتي که اصل عالم طبيعت است اطلاق شد. بعدها فلسفه ارسطو اين نظريه را به شدت مورد انتقاد قرار داد. در فلسفه اسلامي در بين فيلسوفان مسلمان اين کلمه به طور متفاوت به کار برده شده است. برخي انديشمندان، عالم مثال را همان عالم خيال و برزخ